

در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند. آیت الله خامنه‌ای



نگاهی به  
**علل ناهماهنگی‌های**  
موجود بین کتاب‌های  
کمک آموزشی - کمک  
درسی و محتواهای  
آموزشی جدید

فاطمه رضانی

### اشاره

اقبال و روی‌آوری نظام آموزش رسمی کشور ما به دیدگاه‌های نوین تعلیم و تربیت، و تدوین برنامه‌های درسی و محتواهای آموزشی جدید در سال‌های اخیر، موجب شده است تا بحث مواد کمک آموزشی نیز با انتظارات و ابعادی تازه، قوت پیدا کند. امید است این مقاله، با هدف کمک به انجام بررسی‌های نظام‌دار بعدی و تولید مواد مکمل برنامه‌های جدید، بتواند برخی از این مسائل و مباحث را مطرح کند. شاید در مجال دیگر، بتوان به تفصیل، نکات مورد نظر را جداگانه تحلیل کرد و برای نیل به نتیجه‌ی مطلوب، پیشنهادهایی را نیز ارائه داد.

روی‌سخن این نوشته، بیش‌تر با برنامه‌ریزان و مؤلفان محتواهای جدید است و نه تولیدکنندگان مواد کمک آموزشی که به نظر می‌رسد، فعلاً تا برنامه‌های جدید

### شرح مسأله

امروزه ما نیز همچون بسیاری از معلمان و دست‌اندرکاران طراحی و تدوین برنامه‌های درسی و محتوای آموزشی و کمک‌آموزشی در جهان، تلقی‌های جدیدی از یادگیری را می‌شناسیم و می‌دانیم که بسیاری از ایده‌های خود را در این زمینه باید نو و یا تعدیل کنیم. این آگاهی موجب شده است تا تلاش‌هایی نیز برای تحقق این امر انجام شود. تغییرات انجام شده در طراحی و تولید برنامه‌های درسی و محتوای آموزشی مواد درسی گوناگون، نمونه‌ای از این تلاش‌ها هستند. در زمینه‌ی تولید مواد کمک‌آموزشی به عنوان یکی از اجزای مدد رسان به تحقق هدف‌های هر برنامه‌ی درسی هم، تغییرات و تحولات نسبتاً زیادی داشته‌ایم. اگرچه همه‌ی این تغییرات در جهت رشد و تعالی نظام آموزش رسمی ما بوده است و ان‌شاءالله به بهبود محصولات این نظام هم خواهند انجامید، اما هنوز هم ناهماهنگی‌ها و بی‌برنامگی‌های بسیاری در این موارد وجود دارند که برخی از آن‌ها به روند شکل‌گیری برنامه‌ها و تغییرات آن‌ها مربوط می‌شوند و برخی به عملکرد اجرایی ضعیف ما در این زمینه. شناسایی دقیق این عوامل، اولین قدم برای رفع آثار سوء آن‌ها خواهد بود. به خاطر داشته باشیم که ناهماهنگی

بر ایشان به‌خوبی تشریح نشده است، گناه چندانی متوجه آن‌ها نیست. در این مقاله، به برخی از عوامل مؤثر بر تولید مواد مناسب‌تر اشاره خواهد شد؛ آنچه باید قبل و یا لااقل هم‌زمان با تولید و تدوین برنامه‌ها و محتوای جدید انجام می‌شد تا جریان تولید مواد کمک‌آموزشی را نیز همراه و یار خود گرداند.

به نظر می‌رسد، عدم توجه کافی و شایسته‌ی برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی جدید به تولید مواد کمک‌آموزشی در مرحله‌ی طراحی و اجرا و حتی اشاعه‌ی برنامه‌های خود، یکی از دلایلی است که موجب شده، محصولات این بخش، در مواردی با هدف‌ها و رویکردهای این برنامه‌ها هم‌خوانی نداشته باشد و گاهی حتی اثر آن‌ها را هم خنثی کند.

برای رفع این مشکل، اقداماتی چون **برگزاری جشنواره‌های کتاب‌های کمک‌آموزشی رشد**، طرح ساماندهی کتاب‌های کمک‌آموزشی و... مفید اما ناکافی هستند. تشکیل گروه‌های کاری مرکب از کارشناسان گروه‌های درسی گوناگون برای تهیه‌ی ضمیمه‌ای ملحق به برنامه‌های درسی جدید با هدف تبیین جایگاه مواد کمک‌آموزشی، ملاک‌ها و معیارهای تولید و ارزشیابی آن‌ها و سایر مسائل موجود در این زمینه می‌تواند گام مؤثری برای برطرف شدن این مشکلات باشد.

وضعیت را - آن‌هایی را که بیش‌تر به برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی مربوط می‌شوند - اجمالاً مرور می‌کنیم.

### برخی از زمینه‌های به وجود آورنده این وضعیت و راه‌حل‌های آن‌ها

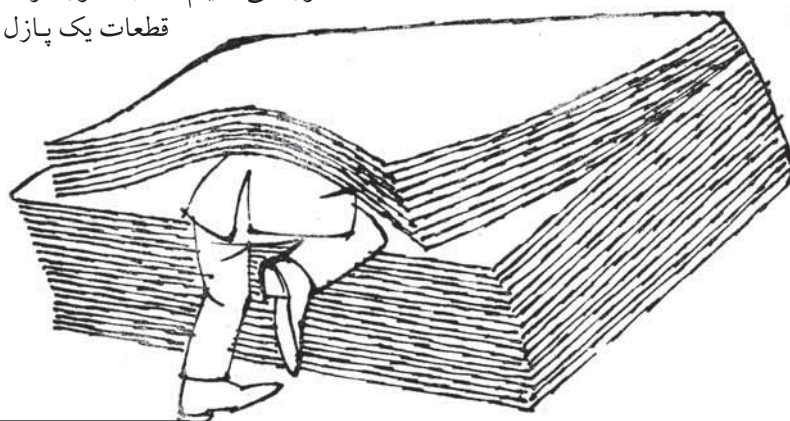
۱. عدم تبیین و تحدید دیدگاه‌ها و رویکردها قبل از تولید و تدوین برنامه‌ها و محتواهای جدید، یکی از عواملی است که موجب شده، تغییرات بر مبنایی قابل تفسیر و تأویل انجام شوند. بارها گفته‌ایم که دیگر دانش‌آموز را موجودی منفعل که موظفیم ذهن وی را پر از اطلاعات و نتایج تجربه‌های دیگران بسازیم، نمی‌بینیم، اما چون در تعریف و تعیین این مفاهیم، دقت نکرده‌ایم، در جریان عمل دیده‌ایم که تعبیرمان با هم خیلی فرق دارد. ناهماهنگی‌های موجود، حتی میان محتواهایی که به تازگی توسط وزارت آموزش و پرورش تولید شده‌اند هم گواهی بر این مدعاست.

هنوز نمی‌دانیم که آیا جور کردن قطعات یک پازل

میان تولید مواد آموزشی و کمک آموزشی، موجب خواهد شد تا مسیر برنامه‌ها به سمتی غیر از هدف‌های مورد نظر آن‌ها برود. چه بسا معلمان، دانش‌آموزان و اولیای ایشان، به دلیل ناآشنایی با اجزای یک برنامه و محتوای آن، در تعیین مسیر آموزش، تمرین و ارزشیابی کیفیت و کمیت تحقق هدف‌های واحدهای درسی، بیش‌تر تحت تأثیر مسیر مواد آموزشی تولید شده قرار گیرند تا محتواهای درسی.

وجود کتاب‌های کمک‌آموزشی و کمک درسی که در آن‌ها، سؤالات و اگرآ، پاسخی مشخص دارند و تمرین‌های کتاب درسی، با مختصری تغییر ارائه می‌شوند، نشان از آن دارند که هنوز هم بیش‌تر تمایل داریم، اطلاعات فراوانی ارائه دهیم و آن‌ها را به همان صورت قالبی و کلیشه‌ای بازپس گیریم. در ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان، هنوز هم در ارائه‌ی تمرین‌های گوناگون به دانش‌آموزان، یادگیری آن‌ها را با میزان اطلاعاتی که به خاطر سپرده و به یادآورده‌اند، می‌سنجیم و...

اکنون برخی از دلایل ایجاد این

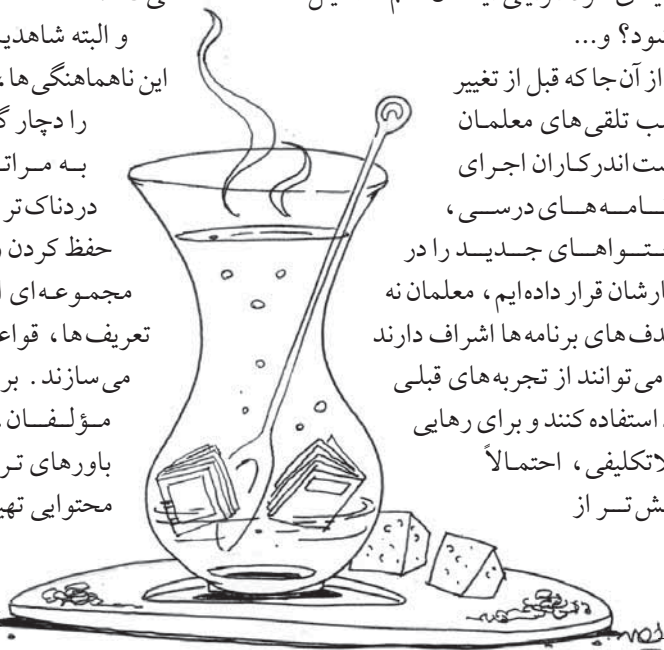


و دست یافتن به یک عبارت یا واژه‌ی معین و از قبل تعیین شده، جزو فعالیت دانش آموز تلقی می شود یا خیر؟ یا وقتی از دانش آموزان می خواهیم تا کلماتی معین را در میان حروف به هم ریخته‌ی جدولی که به همین منظور تهیه شده است، پیدا کنند و دور آن‌ها خط بکشند، می توانیم دل خوش باشیم که آن‌ها را در جریان یادگیری شریک، سهیم و فعال ساخته‌ایم و از تهمت استفاده از روش‌های سنتی گریخته‌ایم؟! یا در شرایطی که وقت و بی وقت و با تناسب و بی تناسب از بچه‌ها خواسته‌ایم فعالیت را گروهی و با دیگران انجام دهند - حتی اگر به اقتضای موضوع یا فعالیت و یا احوال بچه‌ها در سنین متفاوت، آن‌ها باید تنها ولی در جمع کار کنند - می توانیم خوشحال باشیم که چون گردهم نشسته‌اند و نه پشت سرهم، حتماً کار گروهی یاد می گیرند و روحیه‌ی فردگرایی ایشان هم تعدیل می شود؟ و...

از آن جا که قبل از تغییر مناسب تلقی‌های معلمان و دست‌اندرکاران اجرای برنامه‌های درسی، محتوای جدید را در اختیارشان قرار داده‌ایم، معلمان نه بر هدف‌های برنامه‌ها اشراف دارند و نه می توانند از تجربه‌های قبلی خود استفاده کنند و برای رهایی از بلا تکلیفی، احتمالاً بیش‌تر از

گذشته از کتاب‌ها و مواد کمک آموزشی استفاده و یا کمک گرفتن از آن‌ها را به دانش آموزان توصیه می کنند. بارها دیده‌ایم به محض آن که کتاب‌های درسی جدید به دست دانش آموزان رسیده‌اند، و البته گاهی زودتر از آن، کتاب‌های کمک آموزشی آن‌ها در بازار چاپ و نشر شده‌اند. این در حالی است که به دلیل ناهماهنگی‌های موجود میان مسئولان و دست‌اندرکاران، معلمان هنوز نمی‌دانند تغییرات در چه حد و چه زمینه‌هایی بوده‌اند و خط را از کتاب‌های کمک آموزشی می‌گیرند. نویسندگان این گونه کتاب‌ها هم با همان تصورات قدیمی از یادگیری، تمرین، تکلیف و ارزشیابی، به تهیه و تولید این مواد همت می‌کنند. در نتیجه، معلم محتوای جدید را با همان روش‌های سنتی، یاد می‌دهد و تمرین و تکرار و ارزشیابی می‌کند.

و البته شاهدیم که چگونه این ناهماهنگی‌ها، دانش آموزان را دچار گرفتاری‌هایی به مراتب بدتر و دردناک‌تر از گرفتاری حفظ کردن و به یاد آوردن مجموعه‌ای از مفاهیم، تعریف‌ها، قواعد و فرمول‌ها می‌سازند. برنامه‌ریزان و مؤلفان، براساس باورهای تربیتی خود، محتوایی تهیه کرده‌اند که





پیشبرد برنامه‌ها بیش‌تر کمک کنند. به عبارت دیگر، در برنامه‌هایی که تدوین کرده‌ایم، مواد کمک آموزشی

را ندیده‌ایم و برای تهیه و تولید آن‌ها ملاک و روند و نقشه‌ای پیش‌بینی نکرده‌ایم. و حالا می‌خواهیم تولیدکنندگان را وادار کنیم تا آنچه را تولید کرده‌اند، اصلاح کنند. در این میان، اغلب، تنها به انتقاد از آنچه تولید شده پرداخته‌ایم و نتوانسته‌ایم حدود انتظارات

خود را روشن کنیم و گاهی نشان داده‌ایم که ما نیز ایده‌ی تازه‌ای برای تولید فعالیت‌های یادگیری تکمیلی نداریم.

با این باور که تحقق کامل هدف‌های برنامه‌های درسی، به ویژه با رویکردهای جدید، تنها توسط محتواهای رسمی تولیدشده امکانپذیر نیست، باید هرچه زودتر نقشه‌ی دقیقی از روندها و ملاک‌های تولید مواد کمک آموزشی مناسب هر برنامه تهیه کنیم و در اختیار فعالان این عرصه قرار دهیم.

برای یادگیری آن‌ها، نقش تعیین‌کننده با فعالیت دانش‌آموز است و آنچه خود تجربه و کسب می‌کند، بهترین و درست‌ترین چیزی است که می‌باید بیاموزد. اما همان‌ها را در قالب سؤال و جواب‌هایی که مستلزم حفظ کردن هستند، از ایشان می‌خواهند و او به ناچار، مطلبی را حفظ می‌کند که با حفظ کردن هیچ‌سختی ندارد. این در حالی است که اگر معلمان ملاک‌ها را بدانند، می‌توانند خود را از میان خیل مواد تولید و توزیع شده، انتخاب کنند و آنچه را به ایشان در تحقق هدف‌های برنامه‌ها کمک می‌کنند،

مورد استفاده قرار دهند. ضمن آن‌که گروه‌بزرگی از تولیدکنندگان مواد کمک آموزشی، خود معلمان هستند و توجیه ایشان می‌تواند به تولید مواد مناسب‌تر کمک کند.

## ۲. نقشه‌ای روشن و

دقیق برای تولید محتواهای آموزشی در اختیار ناشران کتاب‌های کمک آموزشی قرار نداده‌ایم تا نیرو و سرمایه‌ی عظیم خود را هم سو با رویکردها و نیازهای ما به کار بگیرند و از این جهت به

در برنامه‌هایی که تدوین کرده‌ایم، مواد کمک آموزشی را ندیده‌ایم و برای تهیه و تولید آن‌ها ملاک و روند و نقشه‌ای پیش‌بینی نکرده‌ایم. و حالا می‌خواهیم تولیدکنندگان را وادار کنیم تا آنچه را تولید کرده‌اند، اصلاح کنند

سطح دشواری و درجه بندی تحقق هدف‌ها، یاد بگیرند.

یکی از مشکلات معلمان در کشور ما، جمعیت زیاد دانش آموزان و فرصت‌های اندک ایشان برای رفع عطش دانش آموزان مستعدتر به انجام فعالیت‌هایی با درجه ی دشواری بالا و نیز احتیاج دانش آموزان کندتر، به مجال انجام تمرین‌های بیش‌تر روی یک موضوع، بدون دلزدگی از انجام فعالیت‌هایی یکنواخت است. رفع این نیازها وقتی امکان‌پذیر است که مواد کمک آموزشی به یاری معلمان و دانش آموزان بیایند و شرایط اقناع هر کدام و یادگیری ایشان را فراهم آورند.

در پایان، یادآوری مجدد این نکته ضروری است که هر اقدام دیگری در این زمینه، هنگامی مؤثر واقع خواهد شد که گروه‌های درسی، توجه منظم و برنامه‌ریزی شده به آن را در مجموعه فعالیت‌های خود دیده و به آن پرداخته باشند.

۳. یکی از ایده‌های جدیدی که در آموزش و پرورش رایج شده است و توجه به آن را مفید یافته ایم، تفاوت‌های دانش آموزان از نظر سبک‌ها و شیوه‌های یادگیری ایشان است. محتواهای آموزشی رسمی، آن هم در نظام متمرکزی چون نظام ما، امکان پرداختن به چنین تفاوت‌هایی را ندارد و مواد کمک آموزشی در این میان، برای پاسخ به این نیاز، مناسب‌ترین هستند. اما طرح این موضوع و آشنا ساختن تولیدکنندگان با کمبودها و نیازهای موجود ما در این زمینه نیز به عهده ی ماست که به نظر می‌رسد، کم‌تر به آن پرداخته شده است.

متأسفانه هنوز نتوانسته‌ایم این ایده را توجیه کنیم که کتاب درسی می‌تواند تنها چارچوبه‌ها و سرنخ فعالیت‌های یادگیری را به معلمان و دانش آموزان بدهد و وسایل و تدابیر دیگری چون مواد کمک آموزشی، می‌تواند زمینه‌ای فراهم کنند تا بچه‌ها از طریق فعالیت‌هایی متنوع، از نظر تناسب آن‌ها با سبک‌های گوناگون یادگیری،

